نزاع خونین به خاطر کفش ۲/۵ میلیون تومانی

گروه حوادث/ پسر جوان وقتی متوجه شد دوستش به جای پرداخت طلب وی یک جفت کتانی ۲ میلیون و پانصد هزار تومانی خریده است با او درگیر شد و او را کشت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۵ بعدازظهر دوشنبه ۲۵ مرداد، گزارش قتل پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس حبیب‌الله صادقی اعلام شد.

با اعلام این خبر تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد و تیم جنایی به تحقیق از شاهدان ماجرا پرداختند. یکی از شاهدان در تحقیقات گفت: قاتل پسر ۱۹ ساله‌ای به نام شاهرخ است که از دوستان و بچه محل مقتول است. روز حادثه، متهم با مقتول بر سر یک جفت کفش کتانی دعوایش شد، اما اینکه کفش متعلق به چه کسی بود و جزئیات دیگر ماجرا را نمی‌دانم. فقط دیدم شاهرخ با چاقویی که به همراه داشت، ضربه‌ای به قفسه سینه مقتول زد و متواری شد.

با شناسایی هویت متهم، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور بازداشت متهم فراری را صادر کرد.

با گذشت ۱۵ روز از این جنایت، پسر جوانی به اداره آگاهی پایتخت رفت و مدعی شد که قاتل دوستش است. به‌دنبال اعتراف پسر جوان به قتل، بازپرس صادقی دستور انتقال به بازداشتگاه و ادامه تحقیقات را صادر کرد.

گفت‌وگو با متهم

■ **چرا دوستت را کشتی؟**

چند وقت قبل مقتول از من سه میلیون تومان قرض گرفت. به حساب دوستی و رفاقت به او پول را دادم. اما وقتی خواستم پولم را بگیرم، مدام بهانه آورد که پول ندارد و مهلت گرفت تا اینکه یک روز قبل از قتل من کتانی دو میلیون و پانصد هزار تومانی پای مقتول دیدم.

■ **سر همین دعوا کردید؟**

وقتی فهمیدم چقدر بابت کفش پول داده عصبانی شدم و گفتم تو که پول داشتی چرا پول مرا ندادی؟ کلی بهانه آورد و در نهایت قرار شد که کتانی‌ها دست من امانت باشد تا او پول مرا بیاورد.

■ **روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟**

مقتول به سراغم آمد و گفت می‌خواهد به میهمانی برود و کتانی‌هایش را به او قرض بدهم. عصبانی شدم و دعوای ما بالا گرفت بعد مقتول چاقویی از جیبش درآورد. باهم درگیر شدیم که ناگهان چاقو از دست مقتول به زمین افتاد و من آن را برداشتم و ناخواسته دست به قتل زدم.

■ **چرا فرار کردی؟**

ترسیده بودم، سال‌ها قبل پدر و مادرم از هم جدا شدند و خواهر کوچکم در شمال با یکی از اقوام زندگی می‌کند. چند روزی به آنجا رفتم اما عذاب وجدان جنایتی که مرتکب شده بودم رهایم نکرد و تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم.

مخفی شدن قاتل در خانه مادرزن

گروه حوادث/ مرد جنایتکار که پس از ارتکاب قتل در کرمانشاه به یکی از شهرهای استان همدان فرار کرده و در خانه مادرزنش مخفی شده بود از سوی پلیس دستگیر شد.

سرهنگ پرویز نظری، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه، در تشریح این خبر گفت: دوم تیرامسال مرد ۴۳ ساله‌ای در شهر کرمانشاه به قتل رسید و رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. کارآگاهان پلیس آگاهی اقدامات تخصصی و تحقیقات گسترده خود را برای دستگیری قاتل متواری آغاز کردند و موفق شدند پس از حدود ۲ ماه تلاش شبانه‌روزی مخفیگاه وی را در یکی از شهرهای استان همدان شناسایی کنند.

با شناسایی مخفیگاه قاتل متواری تیمی از اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پس از هماهنگی با همکاران خود در همدان و همچنین مرجع قضایی، به محل اعزام شدند و در عملیاتی غافلگیرانه متهم را که در منزل مادرهمسرش مخفی شده بود دستگیر کردند.

رئیس پلیس آگاهی استان با اشاره به کشف یک قبضه کلت کمری که متهم به وسیله آن مرتکب قتل شده بود، یادآوری کرد: قاتل ۳۷ ساله در بازجویی‌ها به ارتکاب قتل اعتراف و انگیزه خود را اختلافات شخصی با مقتول عنوان کرد.

وی در پایان از بازسازی صحنه قتل خبر داد و گفت: قاتل دستگیر شده نیز با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان شده است.

موتورسوار مسلح ۲ مرد را به رگبار بست

گروه حوادث/ دو مرد که برای به دست آوردن نشانی از یک قاتل راهی پایتخت شده بودند، از سوی موتورسوار ناشناسی هدف شلیک گلوله قرار گرفته و به قتل رسیدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت یک بامداد ۱۰ شهریور، اهالی یکی از خیابان‌های نارمک با صدای شلیک چند گلوله خود را به خیابان رساندند. آنها موتورسوار مسلحی را دیدند که از کنار یک خودروی برلیانس که کنار خیابان پارک بود، با سرعت فرار کرد. وقتی به خودرو نزدیک شدند، اجساد خونین دو مرد را دیدند که به رگبار بسته شده بودند.

بدین ترتیب بلافاصله این موضوع به پلیس ۱۱۰ اعلام شد و مأموران کلانتری نارمک برای بررسی ماجرا به محل جنایت آمدند و دقایقی بعد نیز بازپرس رحیم دشتبان به همراه تیم جنایی راهی محل شدند.

نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد اجساد متعلق به دو مرد ۴۰ و ۵۵ ساله است که از سوی مرد موتورسوار غافلگیر شده و متهم ناشناس آنها را به رگبار بسته است.

در بازرسی از جیب مقتولان، مدارک شناسایی آنها به دست آمد. با استعلام شماره پلاک خودروی برلیانس نیز مشخص شد که خودرو متعلق به یکی از مقتولان به نام کیوان ۴۰ ساله است.

طبق تحقیقات کیوان و سرنشین دیگر خودرو به نام حمید از یکی از شهرستان‌های جنوبی کشور به تهران آمده بودند.

■ **فرضیه جنایت طایفه‌ای**

در ادامه خانواده قربانیان شناسایی شدند و در تحقیقاتی که از آنها صورت گرفت، مشخص شد ۴۰ روز قبل برادر کیوان در شهرشان به قتل رسیده و قاتل متواری شده است.

طبق اطلاعاتی که از تیم جنایی شهرستان مورد نظر به دست آمد، مشخص شد مدتی قبل یکی از اقوام کیوان به نام شایان با همسرش دچار اختلاف شده بود در این میان کوروش برادر کیوان برای میانجیگری سعی داشته زوج جوان را آشتی داده و اختلافات را از بین ببرد. اما شایان به تصور اینکه کوروش سعی دارد با دخالت‌هایش بین او و همسرش جدایی بیندازد، تصمیم به انتقام از کوروش می‌گیرد. به همین دلیل یکی از اقوام خود به نام بهرام را که در تهران کار می‌کرد مأمور انتقام از کوروش کرده و بهرام نیز از تهران راهی شهر محل زندگی کوروش شد و او را به قتل رساند. بهرام پس از این جنایت ناخواسته متواری شده و به تهران فرار کرد.

■ **در جست‌وجوی قاتل**

باتوجه به اینکه قاتل به تهران فرار کرده بود، کیوان برادر مقتول و یکی از بستگانش به نام حمید برای پیدا کردن او راهی پایتخت می‌شوند. از آنجایی که قاتل از اقوام و هم‌طایفه‌ای مقتول بود، آنها سعی بر صلح و سازش داشتند.

بدین ترتیب، کیوان به همراه حمید راهی تهران شده و به محل قرار می‌روند تا از قاتل اطلاعاتی به دست آورند. اما مرد موتورسواری که صورت خود را پوشانده بود، در محل قرار ملاقات دو مرد را به رگبار بسته و متواری شده است. طبق نظریه کارشناس اسلحه، دو مرد با شلیک گلوله کلاشنیکف به قتل رسیده بودند.

به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت، تحقیقات برای بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت و شناسایی قاتل، تحقیقات میدانی از شاهدان، خانواده مقتولان و شناسایی و دستگیری قاتل ادامه دارد.

شکنجه مرگبار به خاطر سرقت حفاظ فلزی

گروه حوادث/ چهار مرد که در اقدامی هولناک با شکنجه یک راننده مینی‌بوس باعث مرگ او شده بودند بزودی در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شوند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده با گزارش ناپدید شدن مردی ۴۲ ساله به نام سیروس از سوی همسرش آغاز شد. این زن در توضیح بیشتر به مأموران گفت: شوهرم راننده مینی‌بوس است و صبح طبق معمول برای جابه‌جا کردن مسافر از خانه خارج شد و دیگر خبری از او ندارم و هرچه با تلفن همراهش هم تماس گرفتم خاموش بود.

چند روز بعد مینی‌بوس سیروس در نزدیکی پمپ بنزینی حوالی خیابان سبلان پیدا شد. این در حالی بود که به گفته کارکنان پمپ بنزین مردی ناشناس مینی‌بوس و بدن نیمه‌جان سیروس را به آنجا منتقل کرده و گریخته بود. پس از انتقال سیروس به بیمارستان وی بر اثر جراحات وارده جان باخت و موضوع به پلیس اعلام شد.

در ادامه مأموران به پرس‌وجو از کارکنان پمپ بنزین و اورژانس پرداختند و در بررسی دوربین‌های مداربسته پمپ بنزین دوست سیروس به نام رضا شناسایی و بازداشت شد. با دستگیری او در بازجویی‌ها عنوان کرد: من و سیروس سال‌ها با هم دوست بودیم. آخرین بار برای تفریح به حوالی جاجرود رفته بودیم. در راه بازگشت متوجه فنس‌های فلزی کنار یک باغ شدیم و تصمیم گرفتیم آنها را سرقت کنیم. در حال بریدن فنس‌ها بودیم که یک‌باره چهار مرد با چوب و چماق به ما حمله کردند و کتک مان زدند. بعد هم پاهایمان را با زنجیر به یک تراکتور بستند و ما را روی زمین کشیدند. وقتی دیگر نیمه‌جان بودیم رهایمان کردند. سیروس بیهوش شده بود که سوار ماشینش کردم. از ترسم او را به تهران آوردم و از کارکنان پمپ بنزین کمک خواستم و خودم از آنجا گریختم.

به دنبال اظهارات این مرد صاحب باغی که از آن سرقت شده بود بازداشت شد.

این مرد در توضیح ماجرا گفت: من از ماجرای کشته شدن صاحب مینی‌بوس اطلاعی ندارم. اما شاید نگهبانان باغ بدانند چه اتفاقی افتاده است.

به دنبال اظهارات این مرد نگهبانان باغ که دو برادر، داماد و دوستشان بودند بازداشت شدند و به شکنجه ۲ سارق اعتراف کردند.

یکی از متهمان گفت: آن روز متوجه شدم دو مرد در حال سرقت فنس‌های باغ هستند. من به همراه برادرم، دوستم و شوهر خواهرم آنها را کتک زدیم و برای اینکه ادب شوند پاهای‌شان را با زنجیر به تراکتور بستیم و چندمتر آنها را روی زمین کشیدیم. سپس آنها را رها کردیم.

در ادامه بازپرس بار دیگر همدست مقتول را مورد بازجویی قرار داد. این در حالی بود که پزشکی قانونی آثار جراحات شدید روی بدن او را مورد تأیید قرار داده بود. این مرد در توضیحاتی که به بازپرس داد گفت: وقتی پاهای ما را به زنجیر بستند و با تراکتور روی زمین کشیدند زمین سنگلاخ بود ما روی زمین غلت می‌خوردیم و با سرعت روی زمین کشیده می‌شدیم. یکدفعه صدای فریاد بلندی از دوستم شنیدم و سرش خون‌آلود شد. من فکر می‌کنم در همان لحظه سرش دچار شکستگی شده بود.

وقتی مردان شکنجه‌گر ما را رها کردند متوجه شدم حال سیروس طبیعی نیست خونریزی زیادی داشت همه جای بدنش هم زخمی بود. البته قبل از آن هم چهار متهم من و دوستم را با چوب و چماق کتک زدند.

با توجه به اظهارات این مرد، درخواست قصاص اولیای دم و اعتراف متهمان برای هر چهار متهم به اتهام مشارکت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

«صیغه‌یاب» ترفندی برای کلاهبرداری

گروه حوادث/ سه مرد شیاد که با ارسال نرم افزار «صیغه یاب» برای کاربران ،آنها را تشویق به نصب این برنامه می‌کردند تا از این طریق به حساب بانکی آنها دستبرد بزنند دستگیر شدند.

سرهنگ رسول جلیلیان، رئیس پلیس فتا استان البرز در تشریح این خبر گفت: با مراجعه یکی از شهروندان به پلیس فتای شهرستان کرج مبنی بر اینکه از حساب بانکی وی به‌صورت اینترنتی در چند مرحله برداشت شده است، موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.

پس از این شکایت و انجام تحقیقات اولیه توسط کارشناسان پلیس فتا مشخص شد برداشت غیرمجاز به شکل کلاهبرداری فیشینگ انجام گرفته است و یک باند سه نفره نرم افزاری با عنوان «صیغه یاب» را در شبکه‌های اجتماعی برای کاربران ارسال و آنها را با جملات اغواگرایانه ترغیب به نصب این بد افزار می‌کردند. کارشناسان فنی این پلیس پس از بررسی برنامه‌های نصب شده در تلفن همراه شاکی بدافزاری را شناسایی کردند که با پرداخت ۲۰۰۰ تومان آدرس و مشخصات همسر انتخابی برای کاربران را نمایش می‌داد، همچنین سازندگان این نرم افزار با طراحی درگاه پرداخت اینترنتی جعلی (فیشینگ) کاربرانی را که قصد پرداخت اینترنتی داشتند به این صفحه جعلی هدایت کرده و قربانیان دراین صفحه تمام اطلاعات بانکی نظیر شماره کارت، رمز دوم و cvv۲ را وارد می‌کردند که کلاهبرداران با استفاده از این اطلاعات موجودی حساب قربانیان را به غارت می‌بردند.

سرهنگ جلیلیان بیان کرد: مأموران پلیس فتا با هوشیاری کامل ضمن بررسی تمامی جوانب موضوع موفق به شناسایی هر سه متهم شدند که طی عملیاتی پیچیده باند سه نفره دستگیر و برای سیر مراحل قانونی تحویل دادسرا شدند.

انهدام ۹ باند قاچاق در غرب استان تهران

گروه حوادث/ قاچاقچیان مواد مخدر که قصد داشتند یک تن مواد را به خارج از کشور منتقل و در آنجا توزیع کنند، از سوی کارآگاهان پلیس غرب استان تهران دستگیر شدند.

سردار «کیوان ظهیری» فرمانده انتظامی غرب استان تهران در حاشیه طرح عملیاتی امنیت محله محور که با هدف مبارزه با سرقت، مقابله با سارقان، مالخران و قاچاقچیان مواد مخدر در ۶ شهرستان تابعه غرب استان تهران اجرا شد، گفت: ۹ باند قاچاق مواد مخدر، ۳۸ قاچاقچی و ۲۸۹ خرده فروش مواد مخدر در این عملیات توسط مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر دستگیر شدند و یک تن و ۳۳ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف شد.

قاچاقچیان سعی داشتند مواد مخدر را از استان‌های شرقی تحویل گرفته و از کشور خارج و در کشورهای خارجی توزیع کنند.

فرمانده انتظامی غرب استان تهران افزود: همچنین در جریان این طرح ۱۵ قبضه سلاح سرد و گرم کشف و ۲۴۸ نفر سارق و مالخر نیز دستگیر و تحویل مقام قضایی شدند. ۴۷۲ فقره پرونده در حوزه قاچاق کالا، سرقت و مواد مخدر توسط همکاران انتظامی تشکیل شده و در حال رسیدگی است و

در جریان اجرای این طرح، ۵۲ هزار قلم کالای قاچاق از قبیل چوب، سوخت، لوازم بهداشتی و درمانی، لوازم خانگی و سرم احتکار شده به ارزش ۹۰ میلیارد ریال کشف شد.

دستگیری سارق مسلح طلافروشی

گروه حوادث/ سارق مسلح که با تهدید اسلحه قصد سرقت از مغازه طلافروشی را داشت پس از فرار در کمتر از ۳ ساعت دستگیر شد. سرهنگ جلیل موقوفه‌ای رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: صبح دیروز سارق مسلحی قصد سرقت از یک مغازه طلافروشی در محدوده کلانتری فلسطین داشت که با هوشیاری صاحب مغازه و رعایت موارد ایمنی، موفق به سرقت نشد و بلافاصله از محل حادثه متواری شد. وی با اشاره به اینکه متهم به بهانه خرید طلا و سکه وارد مغازه شده و با تهدید تفنگ ساچمه‌ای قصد سرقت داشت، ادامه داد: متهم که با یک دستگاه خودروی سواری کوئیک از محل گریخته بود با اقدامات سریع پلیسی، شناسایی و کمتر از ۳ ساعت در مخفیگاهش بازداشت شد. در بررسی‌های بیشتر از متهم سلاحی که متهم با آن مالک مغازه را تهدید کرده بود، کشف و متهم به همراه اموال مکشوفه به کلانتری ۱۰۷ فلسطین انتقال یافت. تحقیقات پلیسی در این خصوص آغاز شده و متهم پس از تکمیل تحقیقات اولیه در اختیار مراجع قضایی قرار خواهد گرفت.

داستان

فرودگاه قلعه مرغی - ۱۳

محاکمه کبوتربازان در دادگاه‌های نظامی

محمد بلوری / برخورد دسته‌ای از کبوتران با یک هواپیمای نظامی در تهران منجر به سقوط این هواپیما شد که چند سرنشین کشته شدند. با آغاز کبوترکشی، دادگاه‌های نظامی محاکمه کفتربازها را آغاز کردند و در حاشیه فرودگاه قلعه‌مرغی اولین فرودگاه تهران، کفترکشی به استوار نایب معاون پاسگاه ژاندارمری محل سپرده شد. استوار نایب در اولین اقدام شروع به کشتن کبوترهای پسرش کرد...

***

در میدان شهر، مش‌رجب، قهوه‌چی محل یک کارد را دودستی به استوار نایب سپرد که در پرتو خورشید، برق بنفشی از تیغه کارد جهید. رشید، پسرک استوار ترسان از واقعه شوم قفس کبوتران را به ساق پاهای لرزانش چسباند و بغض کرد. نایب با نگاهی پرغضب نهیبش زد:

- بذار زمین اون قفس کفتراتو!

اشک در چشم‌های هراسان پسرک جوشید. قدمی پس گذاشت و لب‌های کش آمده‌اش به لرز افتاد. نگاه غم‌زده و پرالتماس‌اش را ناامیدانه روی چهره تماشاگران گرداند که انگار در میان مردان و زنان خاموش و بهت‌زده نجات دهنده‌ای می‌جست. استوار نایب بر سر پسرش تشر زد:

-پاک کن اون اشک‌هاتو پسر! مرد که گریه نمی‌کنه!

صدایی به اعتراض از میان جمع تماشاگر بلند شد:

-بچه‌رو زهره ترکش کردی خان نایب!

مردی فریاد زد:

-کفترکشی را باب نکن خان نایب.

اما استوار اعتنایی نکرد. انگار صدای اعتراض جمع را نشنید، رو به پسرش کرد و گفت: بیار جلو اون قفس کفترات رو پسر.

پسرک در سحر نگاه پدر، چون افسون شدگان به میان جمع قدم برداشت و قفس را به زمین گذاشت. کبوترهای توی قفس به تب و تاب افتاده بودند. سر و سینه‌شان را به میله‌های قفس می‌زدند تا راه پروازی پیدا کنند. استوار نایب رو به قهوه‌چی کرد، کارد را به دستش داد و نهیبش زد:

مش‌رجب همه شونو حلال کن!

قهوه‌چی کارد در دست، با شانه‌های فروافتاده، کمر خمانده، یک زانویش را به زمین خواباند، کبوتری رنگ شنگرفی را از قفس درآورد و تند و چابکی، کارد را به گلوی پرنده کشید و پرپر زن و خون فشان بر زمین رهایش کرد که با سر آویخته به پوست رقص مرگ را از سرگرفت. بغض پسرک ترکید. کف دست‌ها را به صورتش گرفت و از لای انگشتان به جان کندن پرنده چشم دوخت. کبوتر سربریده، جست‌وخیز کنان، سینه‌اش را بر زمین می‌کوبید و پیچ و تاب می‌خورد. سرش روی گردن سرخش تاب می‌خورد و شره‌های خون روی خاک تشنه می‌پاشید که زمین حریصانه خون را می‌مکید.

قهوه‌چی فرز و چابک کبوتر دیگری از قفس بیرون آورد و آنگاه فرز و چابک به کارش ادامه داد. به‌سرعت هر پرنده‌ای را که از قفس بیرون می‌کشید، با کارد گلویش را می‌برید و روی زمین پرت می‌کرد. دیگر صدایی از مردم تماشاگر به گوش نمی‌رسید. تنها صدای بال زدن کبوتران سر بریده شنیده می‌شد. با بال‌های گشوده چنان سینه بر خاک می‌کوبیدند که انگار راه نفوذی در زمین می‌جویند تا در عمق خاک، پروازی دیگر را آغاز کنند. نگاه‌ها تلخ و نامهربان بود مردی خم شد و کینه و خشم‌اش را به زمین تف کرد.

استوار نایب یک صندلی لهستانی را از لب باغچه جلوی قهوه‌خانه پیش کشید، پا روی صندلی گذاشت و با صدایی لرزان و پرخشم فریاد زد:

ای مردم! من مأمورم و معذور، این دستور دولت است. وظیفه دارم نذارم تو آسمان کفتری پربزند. ای مردم آشنا و غریبه شما دیدید که من این فرمان را اول از همه، از پسرم شروع کردم و کفترهاش را سربریدم. پس در انجام وظیفه‌ام قوم و خویش، آشنا و غریبه نمی‌شناسم. به نون و نمک و رفاقت هم اعتنا نمی‌کنم. از امروز کفترپرانی و کفترداری قدغن شده. لابد از رادیو این دستور را شنیدین. این دستور دولته، برو برگردهم نداره. از فردا همه عشقبازها وکفترپران‌ها هر کسی حتی یک کفتر داشته باشد باید خودش را به پاسگاه معرفی کند. هرچی کفتر تو خونه داره باید بیاره پاسگاه، جلوی امنیه‌ها سر ببره، بعد یک توبه نامه بنویسه و خلاص وگرنه تسلیم دادگاه نظامی‌اش می‌کنیم. اسامی کفتربازها هم تو دفتر پاسگاه نوشته شده، اخطار می‌کنم متخلفین از این فرمان، در دادگاه نظامی محاکمه خواهند شد. من گفتم، خود دانید!

از روی صندلی که پایین آمد، دست پسرش را گرفت و بی‌اعتنا به سروصدا و غرولند آدم‌ها به راه افتاد. یک دسته از ولگردان چماقدار از آن سوی بازارچه به سمت میدان می‌آمدند و نعره‌کشان با رقص چوب‌ها بر بالای سرشان شعار می‌دادند:

- کفتر باز ننگت باد... خطرساز مرگت باد!...

یک پلاکارد پارچه‌ای را بالای سر می‌رقصاندند که روی آن نقش یک عقاب شکاری سرخ با چشم‌هایی شعله‌ور کشیده بودند.

یک ژاندارم تفنگ به دوش، عرق ریزان و نفس زنان، در میانه کوچه‌ای خودش را به استوار نایب رساند و خبر داد:

- سرکار استوار، محله عشقبازها شلوغ شده، یک عده چماقدار که مرتب شعار می‌دهند، ریختن تو خونه‌ها دارند گنجه‌های روپشت‌بام کفترها را آتش می‌زنند.

از قهوه‌خانه رجب، صدای رادیو در میدان بلند شده بود و در فضا انعکاس پیدا می‌کرد. گوینده رادیو با صدای غرابی داشت اعلامیه فرمانداری نظامی تهران را می‌خواند. متن اعلامیه این بود که کبوتربازی به‌طور کلی ممنوع بوده و نگهداران کبوتر به دادگاه‌های نظامی معرفی و به اشد مجازات به‌عنوان خیانتکاران به جرم اقدام علیه امنیت و آرامش به زندان‌های طویل‌المدت محکوم و به نقاط بدآب‌وهوا تبعید خواهند شد. به خانواده‌ها هشدار داده می‌شود آشنایان، خویشان و همسایگانی را که برخلاف دستور نظامی با نگهداری یا پرورش کبوتران به امنیت عمومی کشور خیانت می‌ورزند. براساس وظیفه ملی به فرمانداری نظامی تهران معرفی کنند در صورت تخلف از این دستور، به اتهام همکاری با مجرمان کبوترباز تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت....

گوینده رادیو سپس به خواندن اعلامیه‌های افراد و برخی از انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی پرداخت که در تأیید قتل‌عام و کشتار این پرندگان و اقدام «داهیانه» دادگاه‌های نظامی در مجازات دارندگان کبوتر به‌عنوان خیانتکاران به آرامش و امنیت کشور منتشر کرده بودند.

ادامه روز پنجشنبه آینده

حوادث جهان

مرگ ۲۹ مسافر اتوبوس در سقوط به دره

سقوط یک اتوبوس به پرتگاهی در پرو منجربه مرگ ۲۹ مسافر شد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، به گفته مقامات پلیس محلی صبح سه‌شنبه یک دستگاه اتوبوس که حامل ۶۳ مسافر بود با انحراف از مسیر اصلی به پرتگاهی سقوط کرد که بر اثر آن دست کم ۲۹ نفر جان خود را از دست دادند.

این دومین سانحه رانندگی طی روزهای اخیر در پرو است. روز جمعه نیز سقوط اتوبوس حامل تعدادی کارگر به پرتگاه به مرگ ۱۶ نفر منجر شد.